



## سناریوهای آینده غرب در مواجهه با فعالیتهای هسته‌ای ایران

مصطفی قاسمی<sup>۱</sup>

### چکیده

در رابطه با موضوع هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران احتمالاً چهار گزینه حمله نظامی، تشدید تحریم‌ها، راه حل دیپلماتیک و بازی با ثبات جمهوری اسلامی ایران را دنبال خواهند کرد. این مقاله احتمال حمله نظامی به ایران را رد می‌کند اما در ادامه تشدید تحریم‌ها، به نظر می‌رسد تحریم نفتی به عنوان آخرین حربه به کار رود. اما به دلیل آثار زیانباری که تشدید تحریم‌های ایران بر اقتصاد کشورهای جهان بر جا می‌گذارد این گزینه نیز با عدم همراهی کشورها بویژه چین و روسیه مواجه شود.

غریبها همزمان با تشدید تحریم‌ها و اعمال فشار گسترده علیه ایران، مسیر مذاکره را نیز پی‌گیری خواهند کرد و در صورتی که آمریکا نخواهد، یا نتواند مسأله ایران را از طریق دیپلماسی حل کند، گزینه دیگر، می‌تواند دخالت صریح‌تر در اوضاع داخلی ایران جهت وادار ساختن این کشور به قبول شرایط آمریکا باشد.

با توجه به این گزینه‌های احتمالی، عقلانیت دیپلماسی سیاسی ایجاب می‌کند هرگونه تحریک و تهدیدی علیه مواضع جمهوری اسلامی در فرآیند محاسبات سیاسی وارد شود و متناسب با قدرت منبع تهدید و وزن آن در جامعه جهانی، اقدامات پیشگیرانه در جهت خنثی‌سازی آن تدارک شود.

**کلیدواژه:** تحریم ج.ا.ا، شورای امنیت، قطعنامه علیه ج.ا.ا، دیپلماسی، حمله نظامی علیه ج.ا.ا، انرژی هسته‌ای.



## مقدمه

تحریم‌های اقتصادی به عنوان ابزاری برای ارتقای منافع سیاست خارجی یک کشور، در میانه طیفی قرار می‌گیرد که در یک سوی آن دشوارترین اقدام‌های قهرآمیز از جمله توسل به نیروی نظامی، اقدام‌های سری و یا تهدید به توسل نیروی نظامی است و در سوی دیگر، تدابیر دیپلماتیک، اخراج دیپلمات‌ها، احضار سفیر، اعتراض رسمی دیپلماتیک و به تعلیق درآوردن مبادلات فرهنگی است.

به این ترتیب، عبارت «تحریم‌های اقتصادی» به معنای اقدام‌های غیرنظامی است که بر روند انتقال کالا، خدمات و یا سرمایه به یک کشور خاص، تأثیر نامطلوبی می‌گذارد و هدف از برقراری آن، تنبیه یا مجازات و یا وادار ساختن آن کشور به تطبیق خود با هدف‌های سیاسی دولت یا دولت‌های تحریم‌کننده و یا بیان ناخرسندی تحریم‌کننده از اقدام‌ها و رفتارهای آن کشور است.

به دلیل ماهیت ضدآمریکایی انقلاب اسلامی، کشورهای غربی بخصوص آمریکا در قالب گروه ۵+۱ با استفاده از نفوذ خود در شورای امنیت، صدور قطعنامه‌های تحریمی و ضد ایرانی را جهت فشار بر ایران و محروم سازی کشورمان از حقوق هسته‌ای در پیش گرفته اند. که موجب صدور چهار قطعنامه ضد ایرانی در شورای امنیت شده است. علی‌رغم گزارش مثبت البرادعی، مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، درباره فعالیت‌های هسته‌ای ایران و اذعان ۱۶ نهاد جاسوسی و اطلاعاتی آمریکا به غیر نظامی بودن فعالیت‌های هسته‌ای ایران، باز شاهد تلاش‌های آمریکا برای اعمال فشار بر ایران در شورای امنیت هستیم. آنچه مشخص است اینکه غرب به رهبری آمریکا به دنبال حل موضوع هسته‌ای ایران از طریق حقوقی نیست و با سیاسی کردن موضوع، در پی محروم سازی کشورمان از حقوق هسته‌ای می‌باشد و در این راستا از ابزارهای متعددی مثل تحریم، تهدید به حمله نظامی و یا بی‌ثبات سازی جمهوری اسلامی استفاده می‌کند تا کشورمان را وادار به دست کشیدن از حقوق مسلم خود کند.

امکان تشدید تحریم‌ها، حمله نظامی به ایران، راه حل دیپلماتیک و بی‌ثبات سازی جمهوری اسلامی، گزینه‌هایی هستند که در این مقاله آنها را بررسی خواهیم کرد. در واقع هدف این مقاله، بررسی گزینه‌های بعدی آمریکا و غرب علیه ایران و امکان تحقق

این گزینه هاست. در این راستا سوال اصلی این مقاله نیز این است که سناریوهای بعدی غرب جهت فشار بر ایران چیست؟

در این مقاله ابتدا نگاهی خواهیم داشت به قطعنامه‌های صادره شورای امنیت علیه ایران در موضوع هسته‌ای. در بخش دوم اهداف غربیها از پیگیری تحریمها علیه ایران بیان خواهد شد. در ادامه، سناریوهای آینده غرب علیه ایران و امکان تحقق آنها بررسی خواهد شد و در بخش پایانی نیز راهکارهای ایران در کاهش فشارهای غرب خواهد آمد.

## بخش اول: نگاهی به قطعنامه‌های ضد ایرانی شورای امنیت در موضوع هسته‌ای

پیرو دستور ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران، مبنی بر آغاز مجدد فعالیتهای صلح آمیز هسته‌ای کشورمان بعد از دو سال تعلیق داوطلبانه، آژانس با ارجاع گزارش فعالیتهای هسته‌ای ایران به شورای امنیت، زمینه را برای فشار بیشتر بر ایران فراهم نمود. شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز به اتفاق آراء بیانیه‌ای غیر الزام آور را تصویب کرد که از ایران می‌خواست فعالیت غنی سازی اورانیوم را متوقف سازد و از آژانس بین المللی انرژی اتمی نیز درخواست کرد ظرف مدت ۳۰ روز در مورد همکاری ایران با درخواست‌های آژانس گزارش بدهد (همشهری دیپلماتیک، اردیبهشت ۱۳۸۵).

پس از تصویب قطعنامه ۱۶۹۶ شورای امنیت سازمان ملل متحد درباره برنامه هسته‌ای ایران در نهم مردادماه ۸۵ و به دنبال پایان ضرب‌الاجل یک ماهه تعیین شده در این قطعنامه، آمریکا امیدوار بود دومین قطعنامه شورا علیه ایران که در برگزیده تحریم‌هایی علیه تهران بود، بدون فوت وقت تصویب شود.

اما در این فاصله، مذاکراتی بین دبیر وقت شورای عالی امنیت ملی ایران با مسؤول سیاست خارجی اتحادیه اروپایی و نماینده مذاکره‌کننده از جانب گروه ۵+۱ صورت پذیرفت که عملاً سناریوی مورد انتظار کاخ سفید را با تأخیر مواجه ساخت. خصوصاً این که در مرحله‌ای از مذاکرات بین لاریجانی و سولانا، طرف غربی از پیشرفت‌های محسوس و نزدیک شدن به توافق درباره برنامه هسته‌ای ایران خبر داد. اما به رغم تأخیر در تصویب قطعنامه دوم علیه ایران، آمریکا توانست سایر اعضای ۵+۱ را متقاعد سازد که مذاکرات بین سولانا با طرف ایرانی نمی‌تواند خواست آنها را که همانا تعلیق فعالیت هسته‌ای ایران





است، تأمین نماید. از این رو براساس راهبرد برخورد پلکانی، پا بر روی پلکان بالاتر یعنی تحریم ایران گذاشت و در این چهارچوب بود که تروئیکای اروپا، پیش‌نویس قطعنامه دوم را در دستور کار شورای امنیت قرار دادند.

قطعنامه ۱۶۹۶ شورای امنیت علیه ایران بر طبق مفاد بند ۴۰ فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد اتخاذ شد اما صدور قطعنامه‌های بعدی بر اساس بند ۴۱ این فصل صورت گرفت. بند ۴۱ فصل هفتم منشور سازمان ملل ناظر بر مجازات‌ها و تحریم‌ها است (داوود آقایی). عدم قبول و اجرای مفاد قطعنامه ۱۶۹۶، در نهایت منجر به تصویب قطعنامه ۱۷۳۷ به اتفاق آرا شد.

### - قطعنامه ۱۷۳۷

قطعنامه دوم شورای امنیت علیه برنامه هسته‌ای ایران در چهارچوب مقررات فصل هفتم منشور و با استناد به ماده ۴۱ در بند یک اجرایی است که از این زاویه علاوه بر دارا بودن ویژگی الزام اجرایی برای اعضای سازمان ملل متحد، دربرگیرنده تحریم‌های محدود علیه صنایع هسته‌ای و موشکی ایران است.

شورای امنیت در این قطعنامه نگرانی جدی خود را از این که مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در گزارش ۲۷ فوریه ۲۰۰۶ تعدادی از موضوعات باقی مانده و نگرانی‌هایی را درمورد برنامه هسته‌ای ایران از جمله موضوعاتی که می‌توانسته ابعاد هسته‌ای نظامی داشته باشد فهرست نموده است و این که آژانس نمی‌تواند نتیجه‌گیری کند که هیچ‌گونه مواد یا فعالیت هسته‌ای اظهارنشده در ایران وجود ندارد؛ ابراز نموده است. همچنین شورای امنیت در این قطعنامه به دلیل عدم تعلیق کامل و پایدار تمامی فعالیت‌های مرتبط با غنی‌سازی و بازفرآوری مقرر در قطعنامه ۱۶۹۶ (۲۰۰۶) از سوی ایران، ابراز تأسف کرده است.

بر اساس بندهای ۴، ۵، ۷، ۸ و ۹ اجرایی، این قطعنامه علاوه بر جلوگیری از تهیه، فروش و انتقال مستقیم و غیر مستقیم اقلام، کالاها و تجهیزات دارای کاربرد در صنایع هسته‌ای و موشکی به ایران، ارائه هر گونه کمک مالی و آموزشی نیز در اموری که به این دو بخش مربوط می‌شود، در حیطة تحریم قطعنامه است. علاوه بر این بر اساس مفاد

قطعه‌نامه، برای سفر مقامات ایرانی که تشخیص داده شود به نوعی به صنایع هسته‌ای و موشکی مرتبط هستند، محدودیت‌هایی اعمال خواهد شد.

این قطعه‌نامه در بند ۲۱ تصریح می‌کند شورا آماده خواهد بود تا در صورت مناسب بودن اقدامات ایران، در این قطعه‌نامه تجدیدنظر کند، از جمله به تعلیق درآمدن تحریم در صورت همراهی ایران.

همچنین در بند ۲۲ بر ضرورت ادامه کار آژانس برای روشن ساختن تمامی مسائل باقی مانده مربوط به برنامه هسته‌ای ایران تاکید می‌کند؛ بند ۲۴ قطعه‌نامه نیز تصریح می‌کند که در صورت همراهی نکردن ایران، شورا اقدامات مناسب دیگری را در چهارچوب ماده ۴۱ منشور ملل متحد در دستور کار قرار خواهد داد.

شورای امنیت سازمان ملل متحد در قطعه‌نامه ۱۷۳۷ (۸۵/۱۰/۲) پیشنهاد سه کشور اروپایی (آلمان، انگلیس و فرانسه) را به اتفاق آرا به تصویب رسانید و به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی ۶۰ روز مهلت داد تا گزارش دهد که آیا ایران « تمامی فعالیتهای مربوط به غنی‌سازی و بازفرآوری از جمله تحقیق و توسعه و همچنین پروژه‌های مرتبط با آب سنگین را به گونه‌ای که مورد راستی آزمایشی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قرار گیرد، به حال تعلیق درآورده است یا خیر (متن قطعه‌نامه ۱۷۳۷).

## ۱۷۴۷ - قطعه‌نامه

پس از تصویب قطعه‌نامه ۱۷۳۷ در دوم دی ماه سال ۱۳۸۵ و بی‌اعتنایی ایران به ضرب الاجل ۶۰ روزه این قطعه‌نامه، گروه ۵+۱ سه هفته برای تدوین و توافق بر متن قطعه‌نامه سوم وقت صرف کرد. این زمان نسبت به مدت صرف شده برای تدوین و توافق بر سر قطعه‌نامه ۱۷۳۷ خیلی کوتاه تر بود.

قطعه‌نامه ۱۷۴۷ نیز در امتداد قطعه‌نامه‌های ۱۶۹۶ و ۱۷۳۷ صادر شد و مستند به ماده ۴۱ منشور سازمان ملل (مرتبط با تحریمهای اقتصادی) است که در واقع راه را برای قطعه‌نامه‌های بعدی هم باز می‌کند.

این قطعه‌نامه جدید که پیش نویس آن توسط کشورهای گروه ۵+۱ تهیه شده بود، شامل ممنوعیت صدور تسلیحات به ایران، توقیف دارایی‌ها و حساب‌های بانکی افراد و شرکت‌هایی که مرتبط با برنامه هسته‌ای و یا موشکی ایران هستند، می‌باشد و از "همه





کشورها و موسسات مالی بین المللی" خواسته است به جز در موارد انسان دوستانه و عمرانی "با جمهوری اسلامی ایران هیچ گونه قرارداد کمکهای بلاعوض، کمکهای مالی و امتیاز وام جدیدی به امضا نرسانند" و همچنین از همه کشورها درخواست شده است که از ورود افراد مرتبط با برنامه هسته‌ای ایران به خاک خود جلوگیری کنند.

شورای امنیت سازمان ملل در این قطعنامه به دولت ایران ۶۰ روز مهلت داده است تا برنامه هسته‌ای خود را با درخواست‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مطابقت داده و مذاکرات تازه‌ای به منظور دست یابی به راه حلی قابل قبول برای همه طرفین را آغاز کند (شریف نیوز، ۸۶/۱/۵). این قطعنامه همچنین با گسترش دامنه تحریم‌های قطعنامه ۱۷۳۷، از کشورهای عضو سازمان ملل خواسته است گزارش اقدامات اجرایی خود را ظرف ۶۰ روز ارائه کنند.

شورای امنیت سپس با ابراز «حمایت شدید» از نقش و دستورات آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، از دبیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی خواسته است طی ۶۰ روز از طریق گزارشی این مساله را به شورای حکام و همچنین شورای امنیت اعلام نماید که آیا ایران همه فعالیت‌های قید شده در قطعنامه ۱۷۳۷ و این قطعنامه را متوقف کرده است یا خیر؟ قطعنامه سپس تاکید می‌کند «در صورتی که ایران همه فعالیت‌های مرتبط با غنی سازی و بازفرآوری از جمله تحقیق و توسعه، را که به گونه‌ای قابل تایید آژانس به حالت تعلیق درآورد، اجرای همه اقدامات علیه تهران به حالت تعلیق درخواهد آمد تا برگزاری مذاکره امکان پذیر گردد» و در این صورت بلافاصله همه اقدامات محدودکننده و الزامات تنبیهی شورای امنیت لغو خواهد شد.

در عین حال قطعنامه بر این نکته تاکید دارد که در صورت امتناع تهران از اجرای دستورات قطعنامه‌های شورای امنیت، اقدامات بیشتر بعدی بر اساس بند ۴۱ فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد اتخاذ خواهد شد تا ایران را متقاعد سازد که به این قطعنامه‌ها و الزامات آژانس بین‌المللی انرژی اتمی عمل کند، و تاکید می‌کند در صورت لزوم، تصمیمات دیگری اتخاذ خواهد شد.

بخش مهم دیگر این قطعنامه که در ۳ پیوست به متن اصلی الحاق شده است، اسامی اشخاص، شرکت‌ها و سازمان‌هایی که در برنامه هسته‌ای یا موشکی ایران نقش دارند و بایستی مشمول تحریم قرار گیرند را اعلام کرده است (خبرگزاری آفتاب، ۱۳۸۵/۱۲/۲۵). این

قطعه‌نامه نیز مثل قطعه‌نامه‌های قبلی، به دلیل عدم توجه به حقوق هسته‌ای ایران و سیاسی بودن آن، مورد قبول ایران قرار نگرفت.

با تمهیداتی که ایالات متحده آمریکا به اجرا گذاشته بود، شرایط برای صدور قطعه‌نامه بعدی تحریم در شورای امنیت فراهم می‌گردید. اما با پیشدستی جمهوری اسلامی ایران و حسن استقبال آقای البرادعی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، سخن از توافق جدیدی روی مدالیته همکاری ایران و آژانس مطرح شد که با حمایت روسیه و چین در شورای امنیت همراه گردید (۱۳۸۶/۹/۷). <http://www.roozna.com>.

ابتکار ایران در همکاری با آژانس، حداقل در تدوین گزارش آقای البرادعی نسبتاً به بار نشست. گزارش نوامبر آقای البرادعی بدون در نظر گرفتن خلاصه آن، گزارشی مثبت و به نفع جمهوری اسلامی ایران است. سابقه برخورداری ایران از فناوری هسته‌ای و خرید اولین سانتریفیوژ در این گزارش به وضوح آمده و از نظر آژانس به عنوان بخشی از تاریخ ثبت گردیده است.

همچنین نسل‌های اول (P۱) و دوم (P۲) سانتریفیوژها که چند سال محل بحث و بررسی بود، توسط آقای البرادعی پایان یافته تلقی شد که دیگر نیاز به بررسی بیشتر ندارد. آلودگی‌ها و سایر موارد معوقه گذشته نیز در بررسی آژانس منطبق و سازگار با آنچه جمهوری اسلامی ایران گفته بود، اعلام گردیده است.

در این میان انتشار گزارش ۱۶ نهاد امنیتی و جاسوسی آمریکا (NIE) مبنی بر نظامی نبودن فعالیت هسته‌ای ایران علی‌رغم داشتن بعضی نکات منفی، فضای جهانی را به سود ایران تلطیف کرد. به نظر می‌رسد تأکید مندرج در این گزارش مبنی بر آنکه ایران در حال پیگیری برنامه‌ای برای تولید سلاح اتمی بوده و در سال ۲۰۰۳ به واسطه افزایش فشارهای بین‌المللی مجبور به توقف آن شده و تاکنون نیز آن را آغاز ننموده، دو نکته مهم منفی را در خود دارد. نخست اینکه ما به دنبال سلاح هسته‌ای بوده‌ایم و دوم آنکه اگر تاکنون موفق به رسیدن به آن نشده‌ایم، تنها به خاطر فشارها و نظارت بین‌المللی بوده و لذا به محض برداشتن فشار، ایران بالقوه می‌تواند به سمت کسب سلاح هسته‌ای پیش رود.

آقای البرادعی نیز احتمالاً تحت اعمال نفوذ مستقیم آمریکا و سه کشور اروپایی و یا به منظور ایجاد توازن در گزارش، بخش خلاصه گزارش نوامبر را کاملاً منفی نگارش





نموده و در آن برخلاف متن گزارش، به موارد اعلام نشده در ایران اشاره داشت که می بایستی توسط کشورمان داوطلبانه به آژانس اعلام گردد. بر خلاف متن اصلی که عدم انحراف به سوی نظامی شدن را تصریح نموده، گزارش در این قسمت، اعلام می دارد که آژانس قادر نیست عدم انحراف ایران به سوی نظامی شدن را تا عرضه موارد اعلام نشده تایید نماید. به عبارت دیگر نکات مثبت و منفی گزارش در آن حدی بود که هم جمهوری اسلامی ایران و کشورهای غیرمتعهد، روسیه و چین را خوشحال می کرد و هم دارای مواردی بود که آمریکا می توانست به استناد عدم تعلیق و نکات منفی گزارش، در شورای امنیت قطعنامه بعدی تحریم را صادر نماید (همان). در عین حال اظهارات دو پهلوی البرادعی درباره فناوری هسته ای ایران به مراتب آثار منفی اش کمتر از گزارش اخیر NIE آمریکا بود. علی رغم اینکه وی بارها گفته است که نمی تواند بگوید: آیا ایران به دنبال استفاده نظامی از فناوری اتمی هست یا نه اما تاکید کرده است: تاکنون هیچ دلیلی بر نظامی بودن مسیر فناوری هسته ای ایران ندارد، اما گزارش NIE تاکید می کند که ایران تا سال ۲۰۰۳ به دنبال سلاح هسته ای بوده است.

در این راستا آمریکا با توجه دادن کشورها به نکات منفی گزارش نوامبر مدیر کل آژانس بین المللی انرژی اتمی و نکات منفی گزارش نهادهای جاسوسی آمریکا در مورد فعالیتهای هسته ای ایران، تلاشهای مجدد را برای صدور قطعنامه جدید علیه ایران انجام داد اما با ادامه روند همکاری کشورمان با آژانس، در نهایت در تاریخ ۸۶/۱۲/۳ آقای البرادعی گزارش نهایی خود را درباره مسائل باقیمانده و موارد اعلام نشده منتشر کرد و در آن به صراحت اعلام نمود که ایران در قالب طرح اقدام، به همه سؤالات آژانس پاسخ داده و مطابقت پاسخهای ایران را با یافته های آژانس اعلام نمود. همچنین آژانس صلح آمیز بودن فعالیتهای هسته ای را تصدیق کرد. اما نکته مهم در این گزارش، اتهامات جدیدی در زیرمجموعه ای تحت عنوان "مطالعات ادعایی" است که آمریکا در آخرین روزهای باقیمانده تا ارائه گزارش، به البرادعی تحویل داده است. به طور قطع این بخش از گزارش البرادعی اگرچه هیچ سندیتی ندارد، اما آمریکا با مطرح کردن آنها سعی دارد با ادامه روند پرسش و پاسخ ها، بازهم موضوع را در گزارشهای بعدی کش دهد و زمینه فشار بر ایران را در شورای امنیت فراهم کند (۸۶/۱۲/۵).



هر چند غریبه‌ها ظاهراً مدعی هستند که از تلاشهای آژانس بین‌المللی انرژی اتمی حمایت می‌کنند اما زمانی که آژانس در تاریخ ۸۶/۱۲/۳ اعلام کرد که ایران در قالب طرح اقدام تمام‌سوالات و موارد ارائه شده از سوی آژانس را پاسخ داده و موردی مبنی بر نظامی بودن فعالیتهای ایران پیدا نشده و یافته‌های آژانس با پاسخهای ایران به این سازمان کاملاً مطابقت دارد، دوباره این کشورها به اقدامات ضد ایرانی خود ادامه دادند و به جای بازگرداندن موضوع هسته‌ای ایران به آژانس، همچنان با تبلیغات منفی صدور قطعنامه جدید و فشار بر ایران را در دستور کار خود قرار دادند و با ایراد برخی اتهامات جدید علیه ایران و زیر سؤال بردن گزارش مثبت آژانس به عنوان مرجع ذی صلاح، زمینه برای صدور قطعنامه بعدی آماده شد و در نهایت شورای امنیت سازمان ملل در تاریخ ۱۳ اسفند ۸۶ با رأی مثبت و یک رای ممتنع اندونزی قطعنامه تعدیل شده ۱۸۰۳ درباره ایران را تصویب کرد.

### - قطعنامه ۱۸۰۳

در چهارمین قطعنامه‌ای که علیه برنامه‌ی صلح آمیز هسته‌ای کشورمان در شورای امنیت و تحت فشارهای آمریکا و معدود متحدان اروپایی‌اش به تصویب رسید، شورا برای سومین بار تحریم‌هایی را علیه جمهوری اسلامی ایران تصویب کرد. این قطعنامه، تحریم جدیدی را علیه ایران اعمال نمی‌کند و فقط حوزه‌های ذکر شده در قطعنامه‌های پیشین در آن گسترش یافته است. قطعنامه ۱۸۰۳ برخلاف آنچه آمریکا و متحدانش خواستار آن بودند، فاقد هرگونه تحریم جدی و تاثیرگذار علیه ایران و اصطلاحاً فاقد دندان است.

هرچند آمریکا تلاش می‌کرد این قطعنامه سال میلادی گذشته به تصویب برسد اما وجود مخالفت‌ها میان اعضای دائم و غیردائم در خصوص تحریم‌ها مانع از رسیدن واشنگتن به خواسته‌اش شد. نکته دیگری که درباره قطعنامه ۱۸۰۳ مطرح است، عدم تصویب آن به اتفاق آرا برخلاف قطعنامه‌های پیشین است که هر ۱۵ عضو به آن رأی مثبت داده بودند و آمریکا تلاش می‌کرد از آن به عنوان پیامی مهم و نشانه اتحاد جامعه بین‌الملل علیه ایران یاد کند.

این شورا در این قطعنامه بار دیگر درخواست خود مبنی بر تعلیق تمامی فعالیتهای مربوط به غنی‌سازی و بازفرآوری اورانیوم در ایران را خواستار شد و از تمامی کشورها





درخواست کرد تا نسبت به ورود و عبور افراد دست‌اندر کار برنامه‌های هسته‌ای و موشکی ایران به قلمروشان، هشیار باشند و محدودیت‌هایی را اعمال کنند.

این قطعنامه تحریم‌های اعمال شده بر اشخاص و شرکت‌های ایرانی را گسترش داده است و نیز برای اولین بار از کشورها می‌خواهد تا هواپیماها و کشتی‌های متعلق به ایران را مشروط بر وجود دلایل منطقی مبنی بر وجود مواد ممنوعه و دارای کاربردهای دوگانه بازرسی کنند (خبرگزاری دانشجویان ایران، ۸۶/۱۲/۱۴).

قطعنامه همچنین ضمن استقبال از حل مسایل مهم باقی‌مانده میان ایران و آژانس بر اساس طرح اقدام، بر تمایل ۵+۱ برای تقویت تلاش‌های دیپلماتیک جهت از سرگیری مذاکرات با ایران برای رسیدن به راه حل مساله تاکید می‌کند. در مجموع این قطعنامه جنبه تنبیهی جدیدی نداشته و شدت قطعنامه‌های قبلی را ندارد.

علی‌رغم صدور قطعنامه‌های ضد ایرانی شورای امنیت حقیقت این است که با توجه به گزارش آقای البرادعی که در تاریخ ۸۶/۱۲/۳ منتشر شد و حقانیت ایران را در فعالیتهای هسته‌ای به اثبات رساند، فلسفه وجودی ادامه پرونده هسته‌ای ایران در شورای امنیت کاملاً زیر سؤال است. زیرا وقتی شورای حکام، پرونده ایران را به شورای امنیت گزارش نمود، از نظر حقوقی، در اسفندماه ۱۳۸۴، ایران نه انحرافی به سمت تسلیحاتی شدن داشت و نه NPT را نقض کرده بود. شورای حکام فقط تحت فشار آمریکا به بهانه مخفی کاری و بهانه موارد معوقه و پاسخ داده نشده، پرونده ایران را به شورای امنیت گزارش نمود اما امروز با این گزارش آقای البرادعی و پاسخ ایران به تمام سؤالات مطرح شده، اولاً هر آنچه مربوط به مخفی کاری بوده، تسویه شده ثانیاً موارد معوقه کاملاً روشن شده که سازگار با گفته‌های ایران می‌باشد. ثالثاً درخواست تعلیق از نظر تطابق با NPT و اساسنامه آژانس بی‌معنی گردیده چون تعلیق در صورت انحراف به سوی تسلیحاتی شدن و یا عدم همکاری با آژانس می‌تواند باشد. شورای امنیت به عنوان یکی از ارکان سازمان ملل متحد، همانند هر سازمان دیگر تابع سند تأسیس خود می‌باشد. بنابراین هرگونه اقدام و تصمیم‌گیری از سوی شورا، می‌بایست بر مبنای منشور انجام پذیرد. شورا بر اساس منشور، دارای محدودیت‌هایی همچون رعایت اصول و اهداف منشور، اصول عدالت و حقوق بین‌الملل می‌باشد. با توجه به حل تمام مسائل بین آژانس و ایران، هیچ مبنایی برای ماندن پرونده در شورای امنیت و پذیرش تصمیمات شورا به عنوان رکن مافوق وجود ندارد

و دولتها صرفاً نسبت به تصمیمات معتبر شورا متعهد می شوند (بررسی دکترین نامحدود بودن صلاحیت شورای امنیت).

### بخش دوم: اهداف غریبها از صدور قطعنامه‌های ضد ایرانی

به نظر می‌رسد غریبها اهداف زیر را در صدور قطعنامه‌های ضد ایرانی در شورای امنیت سازمان ملل متحد پیگیری می‌کنند:

- ۱- کاهش توان اقتصادی، سیاسی و نظامی ایران
- ۲- تقویت موضع اپوزیسیون داخلی و خارجی ایران
- ۳- تعلیق مناسبات و مبادلات ایران با قدرتهای منطقه و احتمالاً کشورهای توسعه یافته.
- ۴- ایجاد جو تهدید و ارعاب در منطقه
- ۵- وادار کردن ایران به تسلیم شدن در مقابل نظام سلطه جهانی و پذیرش صهیونیسم
- ۶- کاهش سرعت رشد فناوری هسته‌ای

در ادامه دشمنیهای چندین ساله غرب علیه ایران، از سال ۲۰۰۳ برخی دول غربی با ایراد اتهامات واهی به ایران، سوالاتی را برای انحراف افکار عمومی جهان و بهانه قرار دادن برای صدور قطعنامه‌های ضد ایرانی درباره فعالیتهای هسته‌ای ایران برای بررسی به آژانس اعلام کردند (روزنامه شرق، ۸۴/۱۱/۱۶).

اما وقتی آژانس در گزارش تاریخ ۸۶/۱۲/۳، ضمن اعلام مطابقت کامل گفته‌های ایران با یافته‌های آژانس، فعالیتهای هسته‌ای ایران را صلح آمیز اعلام نمود، این دولتها به جای توجه به گزارش مثبت آژانس به عنوان تنها نهاد بین المللی تخصصی در مورد فعالیتهای هسته‌ای، تلاش دوباره خود را برای صدور قطعنامه جدید و فشار بر ایران ادامه دادند. در ظاهر به نظر می‌رسد که صدور قطعنامه‌های ضد ایرانی غریبها در شورای امنیت، به دلیل نگرانیهای آنها در مورد فعالیتهای هسته‌ای ایران بود اما بعد از انتشار گزارش مثبت آژانس مبنی بر صلح آمیز بودن فعالیتهای هسته‌ای ایران و پاسخ کامل ایران به شش سوال مطرح شده از سوی آژانس، غریبها به جای ارج نهادن به گزارش آژانس و برگرداندن پرونده ایران به آژانس، در ادامه دشمنیهای چندین ساله خود علیه نظام جمهوری اسلامی ایران، صدور قطعنامه بعدی و فشار بر ایران را در دستور کار خود قرار داده‌اند و فعالیتهای هسته‌ای بهانه‌ای است برای فشار بیشتر بر ایران.



### بخش سوم: سناریوهای آینده غرب علیه ایران و امکان تحقق آن

نحوه تعامل با برنامه هسته‌ای ایران از نگاه بین‌المللی از چند طیف کلی قابل ملاحظه است، ابتدا نگاه تهاجمی که هرگونه مصالحه سیاسی و مذاکره را فرصت‌کشی تلقی کرده و تجویز نهایی آن «رویکردی نظامی» است؛ دوم رویکرد «تشدید تحریم‌ها» که به دنبال به بن بست رسیدن مذاکرات، تحریم‌هایی با دامنه ضعیف تا قوی را پیگیری خواهد کرد. سوم «راه حل دیپلماتیک» است که غرب هم‌زمان با اعمال فشار بر ایران این گزینه را نیز برای رسیدن به اهداف خود پیگیری خواهد کرد و چهارم «بازی با ثبات جمهوری اسلامی ایران» می‌باشد.

الف- حمله نظامی: یکی از گزینه‌هایی که آمریکا همیشه آن را مطرح کرده و از آن برای تهدید ایران استفاده نموده، بحث حمله نظامی به ایران است. آمریکا در صورتی که به دنبال این گزینه باشد، قبل از هر اقدام عملی، نیاز به مجوز شورای امنیت سازمان ملل متحد دارد و بعید است کشورهایی چون چین و روسیه با این مورد موافقت کنند. شواهد نشان می‌دهد که روسیه و چین بر ضرورت کنترل آمریکا تأکید داشته و از سوی دیگر هر گونه کنش افراطی و رادیکال علیه ایران را به عنوان نمادی از گسترش بحران در خاورمیانه می‌دانند. اگر چه گروه ۵+۱ بر ضرورت توقف فعالیت‌های هسته‌ای ایران تأکید دارند، اما برخی از کشورهای عضو این گروه همچون روسیه و چین از سیاست‌های افراطی آمریکا حمایت نخواهند کرد.

علاوه بر محدودیت‌های بین‌المللی که فراروی دیپلماسی آمریکا است، می‌توان نشانه‌هایی از مقاومت منطقه‌ای را مشاهده کرد (همشهری دیپلماتیک، بهمن ۱۳۸۵). به علاوه قطعاً بسیاری از کشورهای جهان نیز با آن مخالفت خواهند کرد. آمریکا می‌تواند مانند بحران عراق بدون مجوز سازمان ملل اقدام به حمله نظامی کند ولی موقعیت بسیار نامناسب آمریکا در عراق و شرایط سخت نیروهای نظامی آمریکا در این کشور این امکان را از آمریکا سلب کرده است. بعد از جنگ ویتنام و لطمه جبران‌ناپذیری که به حیثیت و پرستیژ آمریکا وارد شد، این کشور جنگی را شروع نمی‌کند مگر از برد آن اطمینان کافی داشته باشد. به خصوص اگر طرف مقابل کشوری همچون ایران اسلامی و انقلابی و... باشد. ایرانی که بارها موجب بی‌آبرویی آمریکا شده است (ماجرای طیس و ایران گیت). به دلایل یاد شده آمریکا قبل از حمله به کشور ما احتمالاً سعی بسیار خواهد کرد که ایران را

با تحریم‌های طولانی مصوب شورای امنیت تضعیف کند با این امید که طی این مدت، توان سیاسی، اقتصادی و نظامی ایران دچار ضعف و فتور شود و شرایط برای یک حمله موفقیت آمیز فراهم آید. اما مشکل عمده آمریکا و جهان غرب این است که رشد صنعت هسته‌ای ایران طی این مدت متوقف نخواهد شد، بلکه با انگیزه بسیار قوی که ایران معمولاً در هنگام مقابله با قدرتهای استکبار پیدا می کند، رشد فراوانی پیدا خواهد کرد. بسیار بعید است که آمریکا دچار این حماقت شود که تصمیم حمله به کلیه تأسیسات هسته‌ای ایران را که در کل کشور توزیع شده است اتخاذ کند. چرا که این کار برای آمریکا بسیار پرهزینه خواهد بود و به علاوه امید موفقیت در آن بسیار ناچیز است و با توجه به دستیابی دانشمندان ایرانی به دانش هسته‌ای، بازسازی تأسیسات تخریب شده کاملاً عملی و امکان پذیر است (روزنامه شرق، پیشین). علاوه بر این، حمله نظامی به ایران موجب خواهد شد که ایران از تمام ظرفیتهای نظامی و غیرنظامی خود برای مقابله استفاده کند و جامعه جهانی نیز بر این امر صحنه خواهد گذاشت چه آنکه در یک جنگ نابرابر، ایران کاملاً مجاز است که از تمام توانش برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی خود و حفظ جان و حیثیت شهروندان خود استفاده کند.

معضل دیگری که حمله نظامی غرب به ایران ایجاد خواهد کرد، افزایش حس انزجار کشورهای منطقه و مسلمانان جهان از غربیها است که بالطبع عکس العمل گروه‌های دوست ایران در خاورمیانه را در پی خواهد داشت به علاوه همچون بحران عراق، حمله به ایران موجب می شود که مردم جهان با ایرانیان احساس همدردی کنند و تبلیغات نادرست غربیها در مورد مردم ایران و مقصر دانستن دولت ایران بی اثر شود.

نکته دیگر آنکه قبل از هر حمله‌ای، آمریکا باید مطمئن شود که در نتیجه حمله به ایران این کشور با چین و روسیه متحد نمی شود چه در غیر این صورت نتیجه تمام تلاشهای آمریکا عاید این دو کشور خواهد شد چرا که آمریکا به طور ناخواسته ایران را از یک کشور مستقل با مواضع گهگاه مخالف آمریکا به یک کشور متحد با رقیبان و دشمنان آمریکا تبدیل کرده است.

به علاوه باید در نظر داشت حمله نظامی به ایران تنها با یکی از دو روش عمده زیر ممکن است: در حالت اول یک جنگ کوتاه مدت با حمله هوایی به مراکز مهم و استراتژیک و تأسیسات اتمی خواهد بود که نبردی با این مشخصات علاوه بر مشکلات





گفته شده به دلیل ابعاد کم آن، نتیجه مورد نظر آمریکا را نخواهد داد. حتی عوارض روانی این حمله مسلماً آن قدر نیست که موجب سقوط و یا حتی تضعیف نظام اسلامی شود بلکه برعکس موجب اتحاد و انسجام بیشتر مردم و اقتدار زیادتیر نظام اسلامی خواهد شد. علاوه بر آن هیچ تضمینی وجود ندارد که ایران جنگ را به جبهه دیگر به خصوص جنوب غربی مرزهای خود گسترش ندهد که در این صورت نیروهای غربی دچار مشکلات فراوانی خواهند شد.

با توجه به جنگ طولانی ایران و عراق، نیروهای نظامی ایران نه تنها به خوبی با منطقه یاد شده آشنا شده اند، بلکه از آمادگی رزمی بسیار بالایی نیز برخوردار شده اند که آنان را قادر می سازد به راحتی هر دشمن متجاوزی را سرکوب کنند و احتمال همکاری شیعیان عراق با ایران وجود دارد. با توضیحات فوق به خوبی مشخص می شود که آمریکا می تواند شروع کننده یک جنگ احمقانه باشد ولی الزاماً پایان دهنده این جنگ نخواهد بود و معلوم نیست دامنه آن تا کجا گسترش خواهد یافت. امروزه ایران هم توان نظامی و هم توان علمی، فناوری و اقتصادی خود را افزایش داده و برعکس، آمریکا در باتلاق عراق فرو رفته است (همان).

حالت دوم حمله نظامی گسترده غرب به ایران است که شامل حمله هوایی و زمینی و احتمالاً دریایی خواهد بود و به صورت یک جنگ تمام عیار ظاهر خواهد شد. در این حالت علاوه بر مشکلات موجود در حمله محدود همچون نامشخص بودن زمان اتمام جنگ، آسیب پذیری نیروهای غرب در مرزهای غربی کشور، احتمال همکاری و همراهی شیعیان عراق با ایران و شدت گرفتن بحران عراق و اتحاد استراتژیک و نظامی ایران با روسیه و چین، مشکلات فراوان دیگری مانند تزلزل حجم بالایی از اقتصاد جهانی، سقوط بازار بورس و سرمایه، کاهش ارزش دلار، اخلال در جریان انرژی را به دنبال خواهد داشت و اگر فشارهای موجود بر اقتصاد آمریکا و غرب به شدت افزایش یابد. موارد فوق می تواند موجب شکاف بین متحدان آمریکا شود. علاوه بر آن، در صورت عدم دستیابی آمریکا به اهدافش در زمان تعیین شده و اطاله جنگ بر مسیری غیر از منافع آمریکا و غرب که کاملاً متصور است، قطعاً مقام ابرقدرتی آمریکا در جهان تهدید خواهد شد.

اگرچه تحرکات سیاسی و نظامی یاد شده کاملاً در مقابله با اهداف استراتژیک ایران است، اما شواهد نشان می دهد که آمریکا نمی تواند اهداف خود را به گونه ای یک

جانبه پیگیری نماید. بحران عراق نشان می‌دهد که مخاطرات منطقه‌ای آمریکا در خاورمیانه به گونه فزاینده‌ای افزایش یافته است. بنابراین هر گونه اقدام نظامی جدید، مشکلات و مخاطرات گسترده تری را برای آمریکا ایجاد می‌کند. علی‌رغم تلاش آمریکایی‌ها برای پیگیری جلوه‌هایی از دولت‌سازی در عراق برای رسیدن به آزادی عمل بیشتر در خاورمیانه، شرایط امنیتی خاورمیانه بیانگر آن است که بحرانهای منطقه‌ای از قانون ظروف مرتبطه پیروی می‌کنند. یعنی اینکه بحران در هر منطقه به سایر حوزه‌های جغرافیایی منتقل می‌شود. در نتیجه چنین فرایندی، هرگونه کنش نظامی علیه ایران، مخاطرات پیش‌بینی‌نشده‌ای را ایجاد می‌کند (ابراهیم متقی، پیشین).

به دلایل فوق، حمله نظامی جایگاهی نداشته و احتمال آن در حد صفر است. مگر آنکه بوش و دست‌اندرکاران حکومت میلیتاری آمریکا بخواهند دست به یک حمله انتحاری احمقانه بزنند.

ب- تشدید تحریمها: گزینه دیگر غرب جهت فشار بر ایران و محروم‌سازی از حقوق هسته‌ای، تشدید تحریمها علیه کشورمان است. آمریکا جهت تشدید تحریمها علیه ایران، علاوه بر راضی کردن متحدان خود و کشورهای غیردائم عضو شورای امنیت سازمان ملل متحد، می‌بایست چین و روسیه را هم راضی نماید. امری که بویژه بعد از گزارش ۱۶ نهاد امنیتی و جاسوسی آمریکا و گزارش مثبت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مبنی بر پاسخ ایران به تمام سوالات مطرح شده و عدم انحراف در فعالیت هسته‌ای ایران، سخت و پرهزینه خواهد بود. با توجه به عدم وجود انسجام مورد نظر غرب علیه ایران در موضوع هسته‌ای، تحریمهای اعمالی غرب علیه ایران نمی‌تواند از یک حد معین فراتر رود و اقتصاد ایران با توجه به توانائی‌هایی که بویژه بعد از جنگ با عراق به دست آورده است، می‌تواند اثرات این تحریمها را کنترل و مدیریت نماید، به نحوی که بر روند اقتصاد ایران تأثیر قاطعی نگذارند. در عین حال تشدید تحریمها علیه ایران عواقب نامناسبی بر اقتصاد جهان به خصوص کشورهای دارای منافع اقتصادی در ایران خواهد داشت. این عواقب عبارتند از:

### شوک نفتی

هر گونه تشدید تحریمهای غرب علیه ایران، قطعاً تحریم نفتی را هم در بر خواهد گرفت. کارشناسان و موسسات مختلف بین‌المللی پیوسته نسبت به مخاطرات قطع نفت





ایران و اعمال تحریم علیه این کشور هشدار داده اند. از دید آنها ایران بزرگ ترین و مستعدترین اقتصاد جنوب آسیا است و تحریم نفتی و ممنوعیت سرمایه گذاری برای مقابله با برنامه هسته‌ای این کشور کارآیی ندارد.

«کلود ماندیل»، رئیس آژانس بین المللی انرژی، معتقد است در صورت قطع صادرات نفت ایران، ذخایر نفت چند کشور صنعتی جهان فقط توان ۱۸ ماه جایگزینی آن را دارد. به گفته وی، ریسک تحریم نفتی ایران «نامحدود» است، زیرا چشم پوشی از صادرات ۲/۷ میلیون بشکه ای ایران ممکن نیست. با این حال، بی گمان کشورهای چین و ژاپن بیشترین زیان را نسبت به از دست دادن نفت ایران خواهند دید، زیرا از یک سو ایران بخش مهمی از نفت این کشورها را تامین می کند و از سوی دیگر این دو کشور قراردادهای تجاری عظیمی با ایران دارند. در این زمینه، برخی از کارشناسان معتقدند، کشورهای آسیایی خصوصا ژاپن و چین به علت وابستگی انرژی به ایران، نهایتا اینگونه تلاشهای آمریکا در ضربه زدن به ایران را ناکام خواهند گذارد. ابرقدرتهای اقتصادی شرق آسیا به علت وابستگی فراوان به منابع انرژی ایران، حفظ روابط گرم خود با این کشور را به اعمال تحریمهای تجاری شدید علیه آن ترجیح می دهند (روزنامه همشهری، ۸۵/۲/۴).

استفان لانگ، یک کارشناس مسائل اقتصادی آمریکایی، در این باره هشدار داد که احتمال هر گونه شوک نفتی به دلیل تحریم صادرات نفت ایران از سوی غرب، فاجعه اقتصادی ایجاد خواهد کرد.

وی تصریح کرد که بالاتر رفتن بهای نفت بیش از همه به اقتصاد آمریکا آسیب خواهد زد و تجار نفتی هم اکنون معتقدند که تشدید تنش میان ایران و آمریکا، بهای نفت را به بشکه‌ای ۱۲۵ دلار خواهد رساند، اما اعلان جنگ و بستن تنگه هرمز بهای نفت را دو برابر رقم فوق خواهد کرد.

### سناریوی بستن تنگه هرمز

از جمله ابزارهایی که ایران برای مقابله با تشدید تحریمها علیه کشورمان در دست دارد، بستن تنگه هرمز به عنوان مهمترین گذرگاه نفتی جهان می باشد. به گفته دیوید ویس، اقتصاددان ارشد موسسه استاندارد پورز، با وجود اینکه وابستگی کشورهای غربی به نفت نسبت به شوک نفتی دهه ۱۹۷۰ کاهش یافته است، اما این بدان معنا نیست که نفت





نمی‌تواند موجب رکود اقتصادی جهان شود. وی با اشاره به اینکه قیمت نفت به افزایش خود ادامه خواهد داد و نهایتاً به رکود اقتصادی جهان منجر خواهد شد، اعتراف کرد که متأسفانه تنشهای سیاسی احتمال بروز چنین پدیده‌ای را بسیار محتمل ساخته است.

ویس درباره تنش مربوط به برنامه هسته‌ای ایران نیز گفت:

اگر ایران نفت خود را از بازار جهانی کنار بکشد و تنگه هرمز را به روی نفت کشها ببندد، بازار با ۲۰ میلیون بشکه کمبود نفت مواجه خواهد شد که به رسیدن بهای نفت به ۲۵۰ دلار منجر خواهد شد که این شرایط باعث بروز رکود در اقتصاد جهان خواهد شد.

او با اشاره به ریسکهای فراوان موجود در بازار نفت افزود: تعادل عرضه و تقاضای نفت، قیمت کمتری را نسبت به سطح فعلی می‌طلبد و بدون تنشهای سیاسی بهای نفت می‌تواند به ۴۰ تا ۵۰ دلار کاهش یابد. وی به نقش انکارناپذیر امنیت خاورمیانه در قیمت نفت اشاره کرد و گفت: آنچه مورد تاسف غریبهاست، این که هر گونه تنش در خاورمیانه، تأثیری مستقیم بر قیمت نفت می‌گذارد.

### تحریم نفت ایران

موسسه تحقیقات انرژی کمبریج در گزارشی از مسأله هسته‌ای ایران و تاثیر آن بر بازار نفت اعلام کرد: در صورتی که شورای امنیت سازمان ملل نفت ایران را تحریم کند، آمریکا از جمله کشورهایی خواهد بود که با کمبود انرژی مواجه خواهد شد. بنابر اعلام این موسسه، هر چند آمریکا مستقیماً از ایران نفت وارد نمی‌کند، اما کنار گذاشتن نفت ایران از بازارهای جهانی، بر بازار مصرفی محصولات نفتی در آمریکا نیز اثر خواهد گذارد و موجب افزایش شدید قیمت انرژی در سطح جهان خواهد شد.

این موسسه می‌افزاید: تشدید تنش هسته‌ای ایران و کشاندن آن به صادرات نفت ایران، بیش از همه به آمریکا آسیب خواهد رساند، چرا که افزایش قیمت نفت در صورت اعمال تحریم و کمبود عرضه، بدیهی است («عواقب تحریم» روزنامه همشهری، ۶ آبان ۸۶).

### گرایش اقتصاد ایران از غرب به شرق

هرگونه تشدید تحریمها باعث کاهش وابستگی اقتصاد ایران به غرب نیز می‌شود. از طرفی تشدید تحریمها موجب خواهد شد اقتصاد ایران هر روز بیش از پیش به سمت چین



گرایش پیدا کند. دلاری بودن اقتصاد چین، ثبات قیمتهای صادراتی آن و نیز ارزانی بی بدیل محصولات تولیدی این کشور، چین را به بهشت واردکنندگان ایرانی تبدیل کرده است. در چهار سال اخیر هم ایران فرصت کافی برای تغییر گرایش خود از اروپا و حوزه یورو (به دلیل گرانی غیرقابل تحمل آن) به چین و حوزه یوان داشته، و چینیها هم سرعت و قابلیت شگفت آوری از انطباق خود با نیازهای مهندسی و مالی و اقتصادی ایرانیها از خود به نمایش گذاشته اند. این دو عامل، حجم مبادلات بازرگانی دو کشور را به حدود ۱۷ تا ۲۰ میلیارد دلار برای سال ۲۰۰۷ میلادی رسانده که ۱۰۰ برابر رقم ۱۲ تا ۱۳ سال پیش است. نفت ایران و ظرفیت بی پایان تولیدی و تکنولوژیک چین در کنار انعطاف سیاسی و مالی و حقوقی باورنکردنی آن در تطبیق خود با شرایط خریداران ایرانی، در آینده ای نه چندان دور ابعاد جدید و باورنکردنی بسیاری پدید خواهد آورد و بر سمت و سوی تحولات ایران و جایگاه آن در خاورمیانه اثر تعیین کننده خواهد گذاشت (سعید لیلار روزنامه اعتماد، ۱۰ آبان ۱۳۸۶).

در کل ایران به طور برجسته گزینه ای مایوس کننده برای موفقیت در تحریم های اقتصادی است. حتی اگر آمریکا بتواند قدرت های اروپایی، روسیه، چین، ژاپن و هند را اغوا نماید، کم رنگ شدن اثر تحریم های اقتصادی جدی بر ایران، به واسطه نقض یک یا بیشتر از یک کشور، زیاد وجود دارد. زیرا اکثر این کشورها سرمایه گذاری های قابل توجهی در ایران داشته اند، و این مهم در مورد کشورهای کوچک تر که ممکن است به نقض این تحریم ها بپردازند، بیشتر است. در واقع کشورها به این حقیقت واقف هستند که در فضای غیر دولتی تجارت بین الملل اگرچه تصمیمات دولتی یکی از فاکتورهای مهم اثرگذار بر جریان های اقتصادی محسوب می شود، اما فعالان این بازار هر جا که سودی وجود داشته باشد، با وجود محدودیت های اعمال شده از سوی دولت هایشان، راه گریز خود را پیدا خواهند کرد. در واقع، چنین گریزهایی به این دلیل است که خروج از بازار ایران، زیان جبران ناپذیری برای شرکای ایران ایجاد خواهد کرد و آنها تا سال ها نمی توانند به جایگاه خود در این بازار بازگردند (حمید رهنورد، ۱۳۸۶/۹/۲۹): <http://www.csr.ir>

با توجه به این مسائل، تشدید تحریمها عواقب بسیار نامناسبی برای کشورهای دارای منافع در ایران، خواهد داشت که تصمیم این کشورها را برای عدم همراهی آمریکا برای تشدید تحریمها به دنبال خواهد آورد

با توجه به مطالب یادشده، غرب به رهبری آمریکا در ادامه راه تحریمها علیه ایران موانع عمده‌ای خواهد داشت. بویژه اینکه گزارش اخیر آژانس بین المللی انرژی اتمی در مورد صلح آمیز بودن فعالیتهای هسته‌ای ایران و بسته شدن موضوع هسته‌ای به لحاظ حقوقی، طی کردن این مسیر را برای آمریکا و هم پیمانانش بسیار مشکل کرده است.

ج- راه حل دیپلماتیک: غربیها معتقدند استراتژی «فشار متوازن» و «دیپلماسی» قادر است بحرانهای بین المللی مانند مسئله هسته‌ای ایران را حل نماید لذا همزمان با تشدید تحریمها و اعمال فشار گسترده علیه ایران، مسیر مذاکره را نیز پی گیری می کنند. عده زیادی از سیاست مداران و دانشگاهیان اروپایی و آمریکایی با توجه به واقعیتهای درونی ایران معتقد هستند که متوقف ساختن ایران در خصوص داشتن چرخه سوخت غیرممکن است لذا باید با ایران در مورد مجموعه دیگری از مسائل هسته‌ای وارد مذاکره شد که مهم ترین موضوع از این مجموعه، ترغیب تهران به خویشتن داری شرافت مندانه در پیشبرد سریع برنامه تولید صنعتی اورانیوم غنی شده است.

در این گزینه ایران می‌تواند برنامه هسته‌ای خود را در چارچوب هماهنگی با آژانس بین المللی انرژی اتمی مرحله به مرحله پیش ببرد و همکاریهای هسته‌ای ایران و اروپا در قالب شرکتهای مشترک و تحت نظارت بازرسان بین المللی انجام گیرد. پذیرش حق ایران به داشتن چرخه سوخت و مذاکره برای اعتمادسازی در چگونگی و کیفیت چرخه سوخت دو رکن مهم گزینه دیپلماتیک محسوب می‌شود (جلال دهقانی فیروز آبادی، مجله سیاسی اقتصادی، ش ۲۱۲-۲۱۱).

مشکل اساسی در این زمینه آن است که آمریکا تا این تاریخ از ورود مستقیم به مذاکرات با ایران اجتناب می کند و نسبت به ایران پیوسته رویکردی تحکمی و لحنی تهدید آمیز داشته است. این نحوه عمل ضمن این که ناشی از دیدگاه متکبرانه و سلطه مدار هیأت حاکمه آمریکا است، همچنین می تواند از تحلیل روان شناختی آمریکاییها و اروپاییها از رفتار ایرانیها در مذاکرات سیاسی ناشی گردد. غربیها معتقدند استفاده از زبان زور و تهدید در مذاکرات با ایرانیها کارگشا است و این کشور به رغم مواضع سر سخنانه اولیه اش در مذاکرات، به محض تشدید فشار دیپلماتیک و تهدید و قرار گرفتن در تنگنا، جا زده و در مواضع خود انعطاف لازم را نشان می دهد.

د - بازی با ثبات جمهوری اسلامی ایران: در صورتی که آمریکا نخواهد، یا آن گونه که می خواهند نتواند مسأله ایران را از طریق توسل به دیپلماسی حل کند، گزینه دیگر





می تواند دخالت صریح تر در اوضاع داخلی ایران به منظور دامن زدن به بی ثباتی داخلی ، به چالش کشیدن تمامیت ارضی و حاکمیت ملی و در نتیجه منفعل کردن آن جهت وادار ساختن این کشور به قبول شرایط آمریکا باشد(فصلنامه سیاست خارجی، ش ۳ و ۴، ۱۳۸۴، ۵۱۴).

دولت بوش ممکن است ترجیح دهد به جای زمینه سازی جدی برای مبادرت به یک تجاوز نظامی دیگر در منطقه که به علت درگیری بیش از حد نیروهای نظامی اش در عراق و افغانستان و احتمال قوی عدم کسب حمایت بین المللی برای توجیه چنین تهاجمی که فعلا تحقق آن در کوتاه مدت قابل پیش بینی نیست، در صدد برآید به طور جدی تر گزینه بی ثبات کردن ایران از درون با هدف تغییر رفتار حکومت یا تغییر حاکمیت آن را در نظر گیرد. این کار می تواند از طریق تقویت گروه های سیاسی و نظامی معارض نظام برای تشدید فعالیتهای بر اندازی آنها، تحریک اقلیتهای قومی و مذهبی ساکن در استانهای مرزی، حمایت از تمایلات افراطی در جامعه و در ساختار حاکمیت، تقویت تحرکات هدفمند برای کم رنگ کردن صبغه مذهبی حاکمیت و در نهایت استفاده بهتر از اهرمهای تجاری و اقتصادی علیه ایران صورت پذیرد. منطق چنین راهکاری این می تواند باشد که این نوع اقدامات که در حکم نشانه گرفتن مستقیم موجودیت حاکمیت فعلی ایران است، به احتمال قوی کارساز واقع شده و ضمن کمک به تغییر رفتار جمهوری اسلامی ایران، آن را به سمت سازش منفعلانه با آمریکا خواهد راند.

### بخش چهارم: راهکارهای ایران در کاهش فشارهای غرب

علیرغم حل تمام مسائل مطرح شده بین آژانس بین المللی انرژی اتمی و ایران و اذعان این نهاد به صلح آمیز بودن فعالیتهای هسته ای کشورمان، در مرحله حاضر به نظر می رسد مسیری که شورای امنیت در حال پیمودن آن است، مسیری سیاسی، مغرضانه، یک طرفه و بدون توجه به منافع ملی ایران و نگرانی های امنیتی جمهوری اسلامی است. تا زمانی هم که شورای امنیت در این مسیر حرکت می کند، به نظر می رسد مسوولین نظام جمهوری اسلامی ایران تصمیمی که به سود چنین قطعنامه هایی باشد، نخواهند گرفت. بنابر این مسیر پیش روی کشور، چیزی جز ضرورت آمادگی برای مقابله هوشمند با قطعنامه های شورای امنیت که هدف اصلی خود را تخریب چهره، حیثیت و اعتبار جمهوری اسلامی قرار داده، نیست.

بانیان قطعنامه‌ها می‌دانند که مردم ایران در مباحثی که به غرور ملی آنان بازمی‌گردد، ایستادگی می‌کنند. بنابر این، غربی‌ها با آگاهی به این موضوع به صحنه تقابل با غرور ملی ایرانیان آمده‌اند. مجموعه شرایط کنونی به نظر می‌رسد هیچ چاره‌ای برای جمهوری اسلامی ایران جز انتخاب استراتژی مقاومت هوشمند در مقابل این قطعنامه‌ها باقی نگذاشته است.

مقاومت هوشمند در مقابل قطعنامه در پنج زمینه صورت می‌گیرد:

۱- مقاومت در عرصه نظامی با انتخاب استراتژی بازدارندگی: جمهوری اسلامی ایران باید به صورت آشکار و صریح از جمله از طریق برگزاری رزمایش‌های مختلف، این نکته را نشان دهد که جمهوری اسلامی ایران آمادگی کامل دفاع از خاک میهن اسلامی را دارد.

۲- مقاومت در عرصه اقتصادی: آمادگی کلیه دستگاه‌های کشور برای گذر از دوره تحریم باید با برنامه‌ریزی صورت گیرد و مردم به توان برنامه‌ریزی دستگاه‌های اجرایی اطمینان یابند.

۳- مقاومت در عرصه اجتماعی - فرهنگی: توجیه کامل مردم و توجه دادن آنان به این بحث که اساس قطعنامه برای تخریب روحیه و اعتماد ملی آنان است.

۴- مقاومت در عرصه فنآوری: نشان دادن ظرفیت‌های علمی و فنی کشور علی‌رغم آن که اصلی‌ترین هدف قطعنامه بر این بخش متمرکز است (رسول موسوی، ویژه‌نامه همشهری دیپلماتیک، ۱۵ آبان ۱۳۸۶).

۵- مقاومت در عرصه دیپلماسی: جمهوری اسلامی ایران باید نشان دهد که توان و ظرفیت حل و فصل مناقشه را از طریق دیپلماتیک دارد و این ظرفیت را دارد که علی‌رغم فشارهای شورای امنیت به عنوان یک کشور عضو NPT فعالیت‌های قانونی خود را ادامه دهد.

جمهوری اسلامی ایران باید برای جلوگیری از ادامه روند تصویب قطعنامه‌های بعدی، همکاری عادی خود را با آژانس ادامه دهد. به عبارتی بهتر، ایران با در پیش گرفتن تاکتیک‌هایی باید تلاش کند قطعنامه‌های شورای امنیت علیه ایران به قطعنامه‌های زنجیره‌ای بدل نشوند. در این رابطه بهره‌گیری از «بازی برد-برد» بیشترین مطلوبیت را برای ایران و سایر کشورهای درگیر ایجاد خواهد کرد. در حالی که به کارگیری روشهای





محدودکننده را می توان به عنوان نشانه‌ای از «بازی با حاصل جمع صفر» دانست (ابراهیم متقی، روزنامه اعتماد، ۲۸/۶/۸۶).

اینک که مسیر اجماع سازی در شورای امنیت با دشواری طی می گردد، دیپلماسی کشورمان می تواند و باید با ایجاد ابتکارات و تحرکات منظم، از تسریع روند محتمل ممانعت به عمل آورد عباس (عراقچی، همشهری آنلاین، ۱ بهمن ۱۳۸۵).

علاوه بر گزارش مثبت آژانس بین المللی انرژی اتمی در تاریخ ۸۶/۱۲/۳ که پیروزی بزرگی برای ایران و اثبات حقانیتش در موضوع هسته‌ای بود، از جمله مواردی که در ماه‌های گذشته موجب توجه کشورهای جهان به موضوع هسته‌ای ایران شد، گزارش ۱۶ نهاد امنیتی و جاسوسی آمریکا در خصوص فعالیتهای هسته‌ای ایران بود. انتشار گزارش ارزیابی ۱۶ نهاد امنیتی و جاسوسی آمریکا در مورد توان هسته‌ای و دورنمای برنامه اتمی ایران، بمبی خبری بود که در ماه‌های گذشته، تقریباً تمامی فضای رسانه‌ای جهان را تحت تاثیر قرار داد. در این گزارش آمده است که ایران در حال پیگیری برنامه‌ای برای تولید سلاح اتمی بوده و در سال ۲۰۰۳ به واسطه افزایش فشارهای بین‌المللی مجبور به توقف آن شده و تاکنون نیز آن را آغاز ننموده است.

گزارش سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا به گونه‌ای تنظیم شده که تمامی طرف‌ها می توانند به سود خود از آن استفاده کنند؛ تهران از این گزارش استقبال می کند، چین و روسیه با اتکا بر آن، لزوم تداوم دیپلماسی در موضوع هسته‌ای ایران را مورد تأکید قرار می دهند، آلمان و فرانسه با اشاره به آن، تداوم رفتار گذشته ۱+۵ را بررسی می کنند و آمریکا و انگلیس نیز با پذیرش آن، تشدید تحریم‌ها علیه ایران را خواستار می شوند (محمودرضا گلشن‌پژوه، کتابخانه دیجیتالی دید، ۱۷ آذر ۱۳۸۶).

بدون تردید اصل این گزارش در مجموع یک پیروزی مهم برای جمهوری اسلامی ایران و اعترافی قابل استناد در تایید حقانیت و صداقت دولت مردان کشورمان و تاکید آنان بر مواضع اصولی خود مبنی بر صلح آمیز بودن فعالیت هسته‌ای و شفافیت اقدامات ایران محسوب می شود.

همچنین این گزارش موجب بروز برخی اختلافات بین چین و روسیه با سه کشور اروپایی و آمریکا شد و مسیر آمریکا را در صدور قطعنامه‌های شدید ضد ایرانی علیه ایران ناهموار کرده است (روزنامه ی جوان، ۸۶/۹/۱۵).

جمهوری اسلامی باید بتواند از شکاف کنونی به نحو احسن بهره برداری کرده و موجبات دوری هرچه بیشتر روسیه و چین از گروه ۵+۱ را فراهم آورد، در کنار آن با اتخاذ یک دیپلماسی فعال منطقه‌ای، کشورهای حاشیه خلیج فارس را به موضع‌گیری درخصوص فشار بیشتر بر اسرائیل جهت پیوستن به NPT راضی سازد، از ظرفیت سازمان کنفرانس اسلامی یا گروه‌های همفکر در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای تقویت صدای خود بهره گیرد؛ طی تعاملاتی با کشورهای میانه‌روی اروپایی همچون ایتالیا، اسپانیا، سوئیس و غیره، آنان را وادار به آوردن فشار به فرانسه و آلمان و انگلستان نماید؛ با اتخاذ یک دیپلماسی حساب‌شده و معقول و مبتنی بر شناخت دقیق روحیات غربیان، به جلب نظر افکار عمومی آمریکا و اروپا از طریق دیپلماسی عمومی بپردازد؛ نهایتاً اگر بتواند از طرق رسمی و خصوصاً غیررسمی استدلال صحیح ایرانیان مبنی بر لزوم دستیابی آنان به فنآوری هسته‌ای را برای رسانه‌های غرب آشکار سازد، یقیناً خواهد توانست این فضا را به سود خود تغییر داده و از آن نهایت بهره‌برداری را نماید.

باید توجه داشت که در حال حاضر در دسته بندی قبلی میان طرفین درگیر در مناقشه هسته‌ای تفاوت چندانی به وجود نیامده است. در ظاهر تمامی کشورهای که مخالف دستیابی ایران به حق مسلم هسته‌ای خود بودند، بعد از این گزارش نیز مخالفت خود را با کاستن فشار از روی ایران اعلام داشته، و تمام کشورهای که معتقد به لزوم خویش‌داری و اتخاذ راه‌های مسالمت‌آمیز و دیپلماتیک بودند نیز بر همان عقیده مانده‌اند. این همان زمانی است که می‌بایست به دنبال ترک‌های کوچک و تحولات در ظاهر ریز رفت و با تکیه بر توان دیپلماسی و تمرکز بر افکار عمومی غرب، این شکاف‌های نادیدنی را گسترده و گسترده‌تر ساخت (محمودرضا گلشن‌پژوه، پیشین).

ادامه این اختلافات می‌تواند تا حدودی مانع از برخوردهای تند و افراطی با جمهوری اسلامی ایران شود. ایران در عرصه فنآوری هسته‌ای، علی‌رغم فشارهای وارده، موفقیت‌های شایان توجه به دست آورده است اما تضمین و تداوم این موفقیت‌ها نیازمند انعطاف، احتیاط و دوراندیشی بیشتری جهت جلوگیری از ایجاد ائتلافی از قدرت‌های بزرگ جهانی علیه ایران است. در این راستا وظیفه اصلی دستگاه دیپلماسی هر کشوری ایجاد سیاست‌های تأخیری در موضوعات علیه و یا سیاست‌های تسریعی در رویه‌های له برای کشور است.





با در نظر داشتن ثبات گسترده داخلی و انسجام قوی ملی به عنوان دیگر پایه‌های قدرت کشورمان، هر ناظر بی‌طرفی اعتراف می‌کند که اقتدار جمهوری اسلامی ایران پا را از منطقه فراتر گذاشته و به عنوان یک قدرت فرامنطقه‌ای باید برای آن حساب باز کرد. دیپلماسی ما باید نماینده و نشان‌دهنده چنین قدرتی باشد و با سرلوحه قرار دادن سه اصل عزت، حکمت و مصلحت و با اعتماد به نفس کامل، توانایی‌ها و دستاوردهای کشورمان در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی و تکنولوژیک را تثبیت و تحکیم کند.

خوشبختانه دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران از توانایی‌ها و ظرفیت‌های بالایی برخوردار است و در طول سال‌های گذشته، بویژه یک ساله اخیر، عملاً آن را به اثبات رسانده است (عباس عراقچی). لذا با توجه به صراحت مواضع ۱۱۸ کشور عضو جنبش عدم تعهد مبنی بر صلح‌آمیز بودن فعالیت هسته‌ای ایران و همچنین گزارش اخیر آژانس دال بر عدم انحراف در فعالیت هسته‌ای ایران و پاسخ ایران به تمام سؤالات و ابهامات هسته‌ای، به نظر می‌رسد کشور ما بتواند با تقویت روند اعتمادسازی، موضع بر حق ایران را در جهان و مجامع بین‌المللی بخصوص در میان افکار عمومی جهان، آشکارتر از قبل نماید و کشورهای غربی بویژه آمریکا را در اعمال فشار بر ایران ناکام گذارد.

از طرف دیگر با توجه به سیاست تروئیکای اروپا در مستثنا ساختن نیروگاه بوشهر از شمول تحریم، با هدف همراه ساختن روسیه، خود این موضوع بهانه‌ای برای صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای ایران محسوب می‌شود و نشان‌دهنده شکاف و تقابل دیدگاه بین اعضای ۵+۱ است.

بنابراین ادامه راه قطعنامه‌های پلکانی، نشانه انحراف شورای امنیت از وظیفه اصلی خود است. نهایتاً نیز باید توجه داشت که هر چند ممکن است مقامات آمریکایی تصویب قطعنامه‌ای با تحریم‌های ملایم را به حساب صبر و بردباری خود گذاشته و چنین وانمود کنند که برای تحت فشار گذاشتن بیشتر ایران عجله‌ای ندارند، اما نبایستی تردید داشت که دولت بوش اگر امکان تصویب قطعنامه‌ای با تحریم‌های فراگیر علیه ایران را داشت، حتماً این کار را انجام می‌داد و لحظه‌ای درنگ نمی‌کرد (مراد عنادی، همشهری آنلاین، ۲۸ آبان ۱۳۸۶).

بدین ترتیب باید پذیرفت که با تکیه بر مولفه‌های قدرت داخلی، سیاست‌گذاری‌های منطقی در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، توانمندسازی دیپلماسی سیاسی در



جهت تشنج زدایی و تلطیف شرایط بحرانی منطقه در امتداد تحکیم قدرت اقتصادی، می‌توان به تامین منافع ملی در عرصه‌های سیاسی و اقتصادی فرامرزی امیدوار بود و استقرار ثبات اقتصادی و تداوم آن را در مواجهه با تاثیرپذیری اقتصاد از بحرانهای بین‌المللی، تاثیر پذیری از گسترش دامنه تحریمهای اقتصادی و سیاسی و کاهش یا توقف غیر منتظره درآمدهای نفتی، از طریق اعمال سیاست‌گذاریهای پیشگیرانه و تقویت ذخایر ارزی تضمین کرد. فی‌الواقع دیپلماسی سیاسی موفق، هموارکننده‌ی مسیر قدرت اقتصادی و افزایش ثروت جامعه است، هرچه کشور ثروتمندتر باشد در مواجهه با بحرانهای سیاسی و اقتصادی با منشاء فرامرزی هوشمندتر و مقاوم‌تر است (رسول موسوی، پیشین).

### نتیجه‌گیری

علی‌رغم انتشار گزارش آقای البرادعی مبنی بر صلح آمیز بودن فعالیتهای هسته‌ای ایران و پاسخ ایران به تمام سوالات و ابهامات آژانس، به نظر می‌رسد سیاست آمریکا در قبال موضوع هسته‌ای ایران، حرکت به سوی تشدید تحریمها برای منزوی کردن بیشتر ایران در جهان و همزمان ارائه برخی پیشنهادها برای محروم سازی کشورمان از حقوق هسته‌ای باشد. هر چند با توجه به آشکار شدن هر چه بیشتر موضع برحق ایران، شورای امنیت در ادامه صدور قطعنامه‌های ضد ایرانی، مشکلات فراوانی خواهد داشت و روند اجماع سازی با سختی حاصل خواهد شد اما عقلانیت دیپلماسی سیاسی ایجاب می‌کند هرگونه تحریک و تهدیدی علیه مواضع جمهوری اسلامی - ولو به ظاهر بی محتوا و کم اهمیت - در فرآیند محاسبات سیاسی وارد شود و متناسب با قدرت منبع تهدید و وزن آن در جامعه جهانی اقدامات پیشگیرانه در جهت خنثی سازی آن تدارک شود.

آمریکا در صورت ناامیدی از ادامه تحریمها علیه ایران، تهدید به حمله نظامی را بیشتر از گذشته مطرح خواهد کرد. اما همانطور که آمد آمریکا در موقعیتی نیست که بتواند از این گزینه برای خواسته‌های خود بهره گیرد و تنها کاربرد آن ایجاد جنگ روانی می‌باشد که ملت ایران نیز طی سالهای گذشته عکس العمل مناسب را در برابر این تهدیدات نشان داده‌اند.





در حال حاضر، مسأله هسته‌ای، خود یک بحث مربوط به حیثیت ملی شده است لذا اعمال تحریم‌های بیشتر نه تنها تهران را از مواضع خود در موضوع هسته‌ای منصرف نخواهد کرد، بلکه آن را مصمم به ادامه آن خواهد نمود. آنچه مشخص است، با گزارش اخیر آژانس که در سوم اسفندماه سال جاری منتشر شد، ابعاد حقوقی و فنی موضوع هسته‌ای بسته شده و صرفاً سیاسی شدن موضوع از سوی کشورهای غربی بویژه آمریکا عاملی برای بسته نشدن آن است. با توجه به وجود تحلیل‌های مختلف از اعمال تحریم‌های بیشتر از سوی آمریکا و متحدینش صرفاً گام برداشتن در مسیر حل مسائل فنی و حقوقی موضوع هسته‌ای به بسته شدن آن کمک نخواهد کرد و با توجه به حل مسائل در این زمینه، به نظر می‌رسد اکنون استفاده از راهکارهایی جهت رفع ابعاد سیاسی پرونده ضروری است.

### منابع

- آقایی، داوود ، « نقش و جایگاه شورای امنیت سازمان ملل متحد در نظم نوین جهانی»، تهران: پیک فرهنگ، ۱۳۷۵،
- بهشتی پور، حسن، «گزارش البرادعی و منافع ملی ما»، (۸۶/۱۲/۵)، از <http://beheshtipour.blogfa.com/post-71.aspx>
- حسینی، امیر حسین ، « راهبرد کنونی آمریکا در زمینه ی مقابله با سلاحهای کشتار جمعی و برنامه هسته‌ای ایران»، فصلنامه ی سیاست خارجی، تهران: وزارت امور خارجه، سال ۱۹ . شماره ۳ و ۴. پائیز و زمستان ۱۳۸۴، ص ۵۱۴
- خبرگزاری دانشجویان ایران ، «متن کامل قطعنامه ۱۸۰۳ شورای امنیت سازمان ملل علیه ایران»، (۸۶/۱۲/۱۴)، از <http://www.isna.ir/main/NewsView.aspx?ID=News-1095783>
- خبرگزاری آفتاب، (۱۳۸۵/۱۲/۲۵)، از <http://www.aftabnews.ir/vdcevn8jhw8vn.html>
- خرم، علی ، «شورای امنیت و قطعنامه سوم»، وب سایت اطلاع رسانی اعتماد ملی، <http://www.roozna.com/> از (۱۳۸۶/۹/۷)



- دهقانی فیروز آبادی، جلال، «گفتگوهای هسته‌ای ایران و اروپا (از آغاز تا نشست بروکسل)»، مجله سیاسی اقتصادی، تهران، اطلاعات، ۱۳۸۴، شماره ۲۱۲-۲۱۱،
- روزنامه شرق، «تحریم هوشمندان اولین و کم اثرترین گزینه»، ۸۴/۱۱/۱۶،
- روزنامه جوان، «ارزیابی اطلاعاتی جدید امریکا، اهداف و پیامدهای آن» (۸۶/۹/۱۵).
- عنادی، مراد، «تحریم‌های پلکانی»، همشهری آنلاین، (۲۸ آبان ۱۳۸۶) از: <http://www.hamshahrionline.ir/News/?id=8552>
- شریف، محمد، «بررسی دکتترین نامحدود بودن صلاحیت شورای امنیت»، چاپ اول، تهران: اطلاعات ۱۳۷۳.
- گلشن پژوه، محمودرضا، «گزارش سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا درباره برنامه هسته‌ای ایران؛ دام یا فرصت؟»، کتابخانه دیجیتالی دید، (۱۷ آذر ۱۳۸۶) از: <http://www.did.ir/document/index.fa.asp?cn=na00020070412390816>
- عراقچی، عباس، «روند اجماع سازی در شورای امنیت در مورد تحریم»، همشهری آنلاین، (۱ بهمن ۱۳۸۵) از: <http://www.hamshahrionline.ir/News/?id=8546>
- لطفی، حسین، «عواقب تحریم»، روزنامه همشهری، ۶ آبان ۸۶.
- -----، «تحریم نفتی ایران، مخاطرات و پیامدها»، روزنامه همشهری، ۸۵/۲/۴.
- لیلاز، سعید، «تحریم‌های اقتصادی کارآمدی یا ناکارآمد»، روزنامه اعتماد، ۱۰ آبان ۱۳۸۶.
- متقی، ابراهیم، «محدودیتهای استراتژیک آمریکا برای کنترل و مقابله با برنامه هسته‌ای ایران»، همشهری دیپلماتیک، ۱ بهمن ۱۳۸۵.
- متن کامل قطعنامه ۱۷۳۷، (۱۳۸۵/۱۰/۴) از: <http://earanian.blogfa.com/post-927.aspx>
- شریف نیوز، (۸۶/۱/۵) از <http://sharifnews.com/?22812>
- متقی، ابراهیم، «تلاش شتابزده برای تحریم ایران»، روزنامه اعتماد، ۲۸/۶/۸۶.
- همشهری دیپلماتیک، «روزشمار پرونده ایران»، (اردیبهشت ۱۳۸۵)، از <http://www.hamshahri.net>